

سنجش و تحلیل کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان مهبان، شهرستان نیک‌شهر)

فرامرز بریمانی* - دانشیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، بابلسر، ایران
مهدی جعفری - عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه آمار، زاهدان، ایران
عثمان بلوچی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

دریافت مقاله: ۹۱/۱/۲۸

پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۲۵

چکیده

نواحی روستایی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به ویژه در مناطق جغرافیایی خشک و دارای محدودیت طبیعی با چالش‌های عدیده‌ای در زمینه‌های منابع تولیدی و کسب درآمد، دستیابی به فرصت‌های مناسب شغلی، مسکن پایدار، برخورداری از بسیاری از امکانات اساسی و تسهیلات رفاهی و همچنین خدمات تفریحی و فراغتی مواجه هستند و از آنجایی که امروزه هدف نهایی برنامه‌ریزی‌ها و انواع توسعه، بهبود کیفیت زندگی است، مطالعه و سنجش آن در کلیه اجتماعات انسانی خصوصاً در سکونتگاه‌های روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و جزو ضرورت‌های اساسی در فرآیند توسعه پایدار روستایی به حساب می‌آید. هدف اصلی این تحقیق سنجش کیفیت زندگی (عینی) روستاییان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در دهستان مهبان، شهرستان نیک‌شهر واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی مبتنی بر تکمیل پرسش‌نامه بوده و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. داده‌های تحقیق از ۲۷۳ نفر سرپرست خانوار نمونه در روستاهای بالای ۲۰ خانوار بدست آمده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند، کیفیت زندگی روستاییان مهبان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی از حد متوسط پایین‌تر است. منابع و امکانات اقتصادی (مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، خدمات بیمه کشاورزی و دام، میزان تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع دستی) بیشترین تأثیر (۱/۰۷۶) و امکانات و خدمات اساسی (آب شرب لوله کشی، راه دسترسی، مسکن)، کمترین تأثیر (۰/۵۳۸) را بر کیفیت زندگی دارند. همچنین میزان جمعیت روستایی عاملی بسیار تأثیرگذار (۱/۷۱۵) بر سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، مناطق خشک، شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، دهستان مهبان.

۱. مقدمه

کیفیت زندگی^۱ مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در یک جامعه به کار می‌رود و دارای دو وجه ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰ و ۱۲۳)، که محققان از سال ۱۹۳۰ شاخه‌های مختلف علمی آن را مطالعه کرده و هر کدام سنجه‌های مورد نظر خود را با توجه به نواحی مختلف جغرافیایی ارائه داده‌اند (Wish, 1986: 15). در ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ انستیتو تحقیقات اجتماعی دردانشگاه میشیگان و مرکز نظرسنجی شیکاگو کیفیت زندگی را می‌سنجند (Phillips, 2006: 26). اما این سنجش‌ها قبل از دهه ۱۹۷۰ بر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی متمرکز بوده، که در دهه ۱۹۷۰ شاخص‌های ذهنی برای سنجش آن اضافه شده‌اند (Campbell, 1976). توجه دانش جغرافیا به این مفهوم به اواخر دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، که توسط جغرافیدانانی نظیر اسمیت و هاروی وارد این علم گردید (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵: ۷).

اغلب صاحب نظران و دانشمندان براین باورند که آینده بشر متکی بر درک بهتر عواملی خواهد بود که بر کیفیت زندگی انسان تأثیرگذار هستند (غفاری و اونق، ۱۳۸۵: ۱۶۰). از این رو امروزه کیفیت زندگی به عنوان عنصری کلیدی در سیاستگذاری و بررسی سیاست‌های حوزه عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد و سطوح عملکرد، نیازهای اجتماعی و میزان دستاوردهای آن برای افراد در زمینه‌های بهداشتی، آموزشی، رفاه اقتصادی، شادکامی، توانایی انجام کارها و کنترل داشتن بر موقعیت‌ها و فرصت‌های زندگی، توسط محققان با روش‌های مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۴۶). همچنین مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، الویت‌های مردم در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹). در نتیجه مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی جامعه (شهر، روستا) کمک کرده و درک و الویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران جامعه به منظور ارتقای کیفیت زندگی افراد را تسهیل سازد (Lee, 2008: 1207) و به عنوان ابزاری کارآمد در فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی مد نظر باشد.

البته کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت و محیط طبیعی وابسته است. و عواملی مانند: مقیاس کوچک سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، پراکندگی و انزوای جغرافیایی آنها، شبکه حمل و نقل ناکارآمد اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۲ و ۴). با این وجود با عنایت به نقش محوری کیفیت زندگی در توسعه و افزایش رفاه جوامع انسانی، سنجش کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن حیاتی و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. از دهه ۱۹۹۰ به این طرف کیفیت زندگی به عنوان

1. Quality of life

یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار مورد عنایت برنامه‌ریزان قرار گرفته است، چرا که با گسترش روند صنعتی شدن، پیشرفت فناوری و رشد شهرنشینی؛ عدم تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی موجب ایجاد شکاف شدید بین نواحی شهری و روستایی کشورهای در حال توسعه به لحاظ برخورداری از امکانات و موهبت‌های زندگی شده است. در این راستا جهت رفع یا کاهش این شکاف‌ها و نابرابری‌ها در دنیای امروز تقریباً همگان هدف نهایی انواع توسعه را افزایش کیفیت زندگی می‌دانند (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰). از این رو با توجه به موارد فوق کیفیت زندگی در کشور ایران که در کمربند خشک دنیا قرار گرفته و از یک شرایط جغرافیایی ناهمسان در ارتباط با توسعه یافتگی تشکیل شده است، در حال شکل‌دهی به الگویی است که به شدت از گستردگی فضایی توسعه پیروی می‌کند (فرجی ملانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). لذا سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی و الویت بندی صحیح و منطقی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا سنجش کیفیت زندگی روستاییان محدوده مورد مطالعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی اقدامی مهم و ضروری است، که در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و در پاسخ به سؤال‌های زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است:

۱. کیفیت زندگی (عینی) روستاییان در محدوده مورد مطالعه چگونه است؟
۲. آیا بین کیفیت زندگی (عینی) و شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در محدوده مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. تأثیرگذاری هر یک از زیرشاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی (عینی) در محدوده مورد مطالعه به چه میزان است؟
۴. اندازه جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی تا چه حد بر کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه تأثیرگذار است؟

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

واژه «کیفیت» نسبت به موقعیت‌های مختلف و سلايق انسان‌ها دارای معانی متفاوتی است. در علوم مختلف بنا بر ابعاد و ماهیت متفاوت این واژه، تعابیر متفاوتی برای کیفیت زندگی ارائه شده است. به عنوان مثال، اقتصاددانان مفهوم مطلوبیت را به جای کیفیت زندگی به کار می‌گیرند و یا روان‌شناسان از اصطلاح رضایتمندی یا شادکامی استفاده می‌کنند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴). اما برنامه‌ریزان از آن به عنوان معیار و ملاکی برای اندازه‌گیری میزان برخورداری جوامع از کلیه موهبت‌های زندگی یاد می‌کنند.

کیفیت زندگی مفهومی نسبی، چند وجهی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۴)، که طیف وسیعی از شاخص‌ها از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را شامل می‌شود (درنونفسکی، ۲۵۳۵:

۵۰) و می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت طبقاتی، بیماری و محیط اجتماعی قرار گیرد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بنابر اعتقاد بسیاری از محققان، کیفیت زندگی تابعی از ثروت مادی نیست و برای سنجش آن دو نوع شاخص جداگانه لازم است. یکی شاخص‌های عینی که محیط‌های زندگی و کار افراد و گروه‌ها را توصیف می‌کنند (مانند امکانات آموزشی، بهداشتی، تسهیلات فراغت و مسکن) و دیگری شاخص‌های ذهنی که برپایه چگونگی و توصیف مردم از وضع خود استوارند (Cambell, 1976).

دیسارت و دلر^۱ استدلال می‌کنند که «کیفیت زندگی یک فرد وابسته است به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی که او از این عوامل و نیز از خویشتن دارد» (Dissart, 2000: 159). برخی محققان براین باورند که تمایز میان کیفیت زندگی عینی و ذهنی را می‌توان تمایز میان رفتار و ادراک و تمایز میان کمیت و کیفیت دانست (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۸). مک لارن^۲ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که یک توافق عمومی وجود دارد که دو نوع مشخص از شاخص‌ها برای سنجش کیفیت زندگی مناسب هستند. نوع اول که شامل شاخص‌های عینی هستند که جنبه‌های ملموس محیط ساخته شده، محیط طبیعی و حوزه‌ی اجتماعی و اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند. نوع دوم که شاخص ذهنی است، یک بیان قابل اندازه‌گیری از حس رفاه افراد و رضایتمندی از یک جنبه‌ی خاص از زندگی می‌باشد (Massam, 2002:121). به عبارتی شاخص‌های عینی که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی بررسی می‌شوند، وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می‌دهند. اما شاخص‌های ذهنی سطح رضایت افراد و گروه‌ها را - که اصطلاحاً بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود- ارزیابی می‌کنند (Costanza et al, 2006: 268). در پژوهش حاضر کیفیت زندگی به عنوان معیاری مد نظر است که وضعیت و شرایط زندگی مردم روستایی را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در وجه عینی و به لحاظ بر خورنداری از امکانات و خدمات زندگی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد.

در این راستا کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی نیز ناظر بر وضعیت کلی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی کالبدی و زیست محیطی می‌باشد که به عنوان یک ملاک سنجش از برآورده شدن نیازهای مادی و غیرمادی خانواده‌های روستایی مد نظر است. به عبارتی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی روانی و مادی جامعه روستایی در نظر گرفته می‌شود، که چگونگی شرایط و وضعیت عینی خانواده‌ها و روستاها را بیان می‌کند (Pal and Kumar, 2005: 18).

اسمیت^۳ (۱۹۷۳) شش قلمرو اصلی درآمد، ثروت و شغل، سلامتی (روحی و جسمی)، محیط زیست، آموزش، بی‌سازمانی اجتماعی (جنایت، اعتیاد و...)، از خود بیگانگی و مشارکت سیاسی را شناسایی کرده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). به طور کلی، به علت نبود یک چارچوب دقیق و منطقی در جهت

1. Disart and Deler
2. Mak Larn
3. Esmit

سنجش و ارزیابی شرایط و وضعیت رفاهی یا کیفیت زندگی در نقاط روستایی، مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی ملل متحد نیز اقدام به تعریف مقیاس‌هایی در سطح جهانی برای سنجش کیفیت زندگی کرده است که عبارتند از: بهداشت، تغذیه، محیط طبیعی، اوقات فراغت، امنیت، آموزش و درآمد (William, 1998: 917). رضوانی و همکاران (۱۳۸۷) همچنین سه قلمرو اساسی از نیازها شامل: نیازهای اولیه، بهزیستی و فرصت و فراغت را مورد توجه قرار دادند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۷). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (1: Rahman&Mittelhamer & Wandschneider, 2003).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار دهستان مهبان واقع در شهرستان نیک‌شهر و استان سیستان و بلوچستان است، که شامل ۱۹ روستا بوده و نمونه منتخب این تحقیق را تشکیل می‌دهند (شکل ۱). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، از میان ۱۷۷۷ خانوار ساکن در نواحی روستایی، تعداد ۲۷۳ نفر سرپرست خانوار محاسبه شد و به منظور سنجش کیفیت زندگی روستاییان در محدوده مورد مطالعه، ابتدا شاخص‌های و متغیرهای تحقیق تعیین و در قالب پرسش‌نامه در اختیار گروه هدف قرار گرفت (جدول ۱). روایی پرسش‌نامه توسط پنج نفر از اساتید جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بررسی و سطح پایایی سؤال‌ها آن براساس ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۱۹ محاسبه شده است که بیانگر ضریب اعتماد بسیار بالای آن است. پس از گردآوری داده‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی، در تحلیل داده‌ها بسته به نوع داده‌ها، مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر از آزمون T، همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شده است.

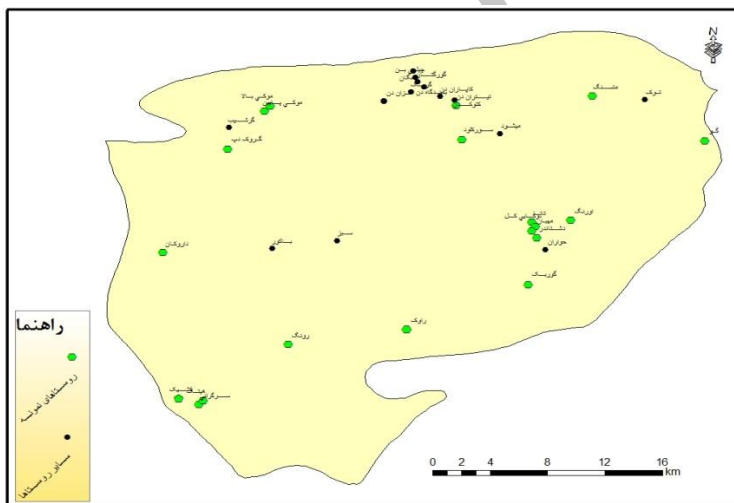
۴. محدوده مورد مطالعه

شهرستان نیک‌شهر با مساحت ۲۲۲۸۰ کیلومتر مربع در جنوب غربی استان سیستان و بلوچستان و در عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۲ ثانیه شمالی و در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۱۲ دقیقه و ۵۸ ثانیه شرقی واقع شده و دارای پنج بخش و ۱۵ دهستان و ۶۳۰ آبادی می‌باشد. این شهرستان دارای اقلیمی گرم و خشک بوده و میانگین بارندگی سالانه آن ۱۱۸ میلیمتر و میانگین دمای سالانه آن ۲۷/۶ درجه است. دهستان مهبان در نیمه شرقی شهرستان نیک‌شهر واقع شده و به لحاظ

تقسیمات سیاسی جزو بخش مرکزی آن می‌باشد (شکل ۲). علیرغم این که شهرستان نیک‌شهر از نواحی کوهستانی کم ارتفاع تشکیل شده است، لیکن دهستان مهبان دارای ارتفاعی بین ۶۳۴ متر تا ۱۳۳۶ متر از سطح دریا می‌باشد (شکل ۳).

خاک منطقه برای کشت محصولات گرمسیری همچون: خرما، مرکبات، انبه، موز و سبزیجات سازگاری بیشتری دارد. کشاورزی در دهستان مهبان به خاطر توپوگرافی نسبتاً ناهموار و قطعات بسیار کوچک اراضی، غالباً به صورت باغداری در مقیاس کوچک و حتی در قالب‌های موزاییکی رواج دارد و کشت غالب آن هم خرما است.

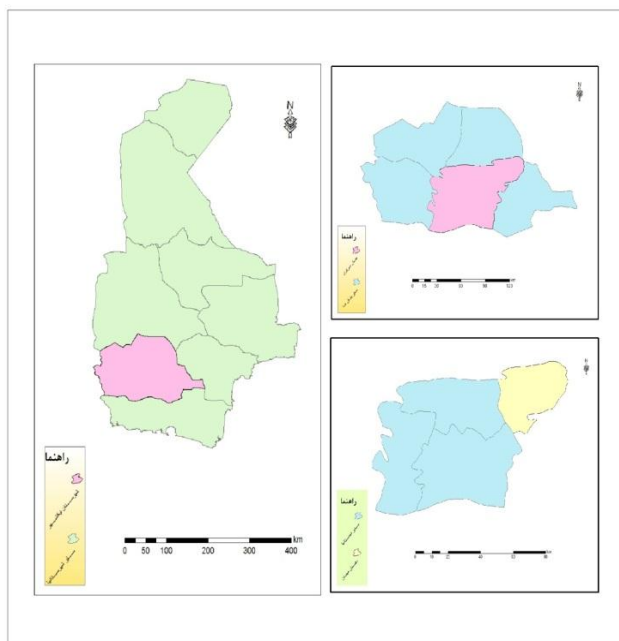
در مجموع محدوده مورد مطالعه علیرغم حاکمیت اقلیم گرم و خشک بر آن از رودخانه‌های فصلی و دائمی هرچند کوچک (رودخانه کشیک و رودخانه نکهچ) برخوردار بوده و موجب شکل‌گیری اراضی محدود و نسبتاً حاصلخیز در مسیر آبراهه‌ها شده است، که به تبعیت از این شرایط، سکونتگاه‌های روستایی با اندازه‌های مختلف شکل گرفته، که غالب معیشت ساکنان این سکونتگاه‌ها به علت کم بازده بودن بخش کشاورزی و حمایت ناچیز دولت از آن، به ترتیب بر پایه مشاغل آزاد (کارگری، پیشه‌وری و...)، کارمندی، کشاورزی (باغداری) و دامداری استوار می‌باشد.



شکل ۱. پراکندگی نقاط روستایی و روستاهای نمونه محدوده مورد مطالعه

جدول ۱. شاخص‌ها و معرف‌های تحقیق

شرح	زمینه اصلی	معرف‌ها
شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش	اقتصادی	درآمد، اشتغال، تسهیلات بانکی، قدرت خرید، کیفیت امکانات بازرگانی خدماتی (خرده فروشی، شرکت تعاونی، سوپر مارکت و نانوايي)، کیفیت مسکن، مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، کیفیت خدمات بیمه کشاورزی و دام، کیفیت راه دسترسی، کیفیت حمل و نقل
	اجتماعی	کیفیت امکانات و خدمات آموزشی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، کیفیت امکانات و خدمات بهداشتی درمانی (خانه بهداشت، درمانگاه و پزشک عمومی و ماما)، کیفیت اوقات فراغت، کیفیت سلامت و تغذیه، کیفیت آب آشامیدنی، مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی، کیفیت اطلاعات و ارتباطات، کیفیت خدمات بیمه تأمین اجتماعی
شاخص‌ها مورد استفاده در روش تحلیل مسیر	اقتصادی	امکانات و خدمات اساسی (آب شرب لوله کشی، راه دسترسی، مسکن)، امکانات و خدمات تجاری (خرده فروشی، شرکت تعاونی، سوپر مارکت، فروشندگی کپسول گاز)، منابع و امکانات اقتصادی (مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، خدمات بیمه کشاورزی و دام، میزان تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع دستی)
	اجتماعی	امکانات و خدمات آموزشی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، امکانات و خدمات بهداشتی درمانی (خانه بهداشت، درمانگاه و پزشک عمومی و ماما)، امکانات و خدمات رفاهی (برق، تلفن، دکل تلویزیون، بیمه تأمین اجتماعی)، امکانات و خدمات فراغتی (زمین ورزشی، پارک، فضای بازی کودکان)



شکل ۲. موقعیت دهستان مهبان در تقسیمات کشوری

۵. یافته‌ها

۱-۵. یافته‌های توصیفی

نتایج بدست آمده بیانگر آن است که ۵۲/۸ درصد پاسخ‌گویان بین ۲۰ تا ۴۰ سال سن دارند. ۲۷/۸ درصد پاسخ‌گویان بی سواد، ۲۲ درصد دارای سواد ابتدایی، ۱۷/۹ درصد دارای سواد راهنمایی و ۳۲/۳ درصد دیپلم و بالاتر از آن بوده‌اند. ۴۰/۹ درصد دارای مشاغل آزاد، ۱۲ درصد کارمند، ۱۵/۶ درصد دارای شغل کشاورزی و دامداری و ۳۱/۵ درصد بیکار می‌باشند.

۲-۵. یافته‌های تحلیلی

در پاسخ به سؤال اول براساس آزمون T، چون از یک طرف سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین جامعه در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب: ۲/۵۷۱ و ۲/۵۵۲ می‌باشد و از طرف دیگر مقدار اختلاف میانگین به ترتیب در هر دو بعد مذکور: -۰/۴۸۵ و -۰/۴۴۷ و کران‌های بالا و پایین هر دو منفی هستند، لذا می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت زندگی (عینی) روستاییان مهبان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی از حد متوسط پایین‌تر است (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون T کیفیت زندگی عینی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی

TEST VALUE = 3						شرح	
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T		میانگین جامعه
کران پایین	کران بالا						
-۰.۴۹۴	-۰.۳۶۲	-۰.۴۲۸	۰/۰۰۰	۲۷۲	-۱۲.۷۶	۲.۵۷۱	بعد اقتصادی
-۰.۵۱۰	-۰.۳۸۵	-۰.۴۴۷	۰/۰۰۰	۲۷۲	-۱۴.۰۶	۲.۵۵۲	بعد اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

پایین بودن کیفیت زندگی (عینی) در بعد اقتصادی ناشی از عدم برخورداری از شغل مناسب و کسب درآمد پایدار، ضعف توانایی مالی در پرداخت هزینه‌های زندگی، کم بازده بودن بخش‌های اقتصادی موجود (کشاورزی و دامداری) و حمایت ناچیز دولت از آن، کوچک بودن اراضی، شیوه‌های بهره‌برداری سنتی و ناکارآمدی در بهره‌برداری بهینه از منابع درآمدزا و فقدان صنایع تبدیلی و تکمیلی، برخورداری ناچیز اکثریت روستاییان از زمین کشاورزی و دام، توزیع ناعادلانه خدمات بیمه کشاورزی و دام و دسترسی نامناسب و ناعادلانه مردم به تسهیلات بانکی می‌باشد. در بعد اجتماعی نیز پایین بودن کیفیت زندگی (عینی) دارای رویه مشابهی است. به طوری که اغلب روستاییان برخورداری خود از خدمات آموزشی و بهداشتی و شبکه حمل و نقل مناسب، وضعیت سلامت و تغذیه، مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی را ضعیف ارزیابی کرده‌اند. این امر از عواملی همچون عدم برخورداری بسیاری از روستاهای نمونه از خدمات آموزشی کافی و مناسب (تعداد کلاس درس، تعداد معلم و مقاومت ساختمان مدارس)، ناکارآمدی در ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، پراکندگی سکونتگاه‌ها (روستا-

شهر)، پایین بودن کیفیت راه دسترسی و خاکی بودن آن در برخی از روستاها و... نشأت می‌گیرد. اما ضعیف بودن وضعیت مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی را می‌توان به عدم توجه مسؤولین و پیمانکاران به دیدگاه‌ها و نظرات ساکنان روستایی در تصمیم‌گیری و اجرا نسبت داد. علاوه بر این در پاسخ به سؤال دوم، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط معناداری بین کیفیت زندگی (عینی) و شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، به طوری که ارتقا و بهبود کمیت و کیفیت هر کدام از این شاخص‌ها، ارتقا و بهبود کیفیت زندگی را سبب می‌شود. لازم به ذکر است شاخص‌های اجتماعی همبستگی شدیدتر (رابطه قوی تری) با کیفیت زندگی را نشان می‌دهند (جدول ۳). این امر بیانگر تأثیر بیشتر امکانات و خدمات اجتماعی موجود مانند امکانات آموزشی، بهداشتی درمانی، رفاهی و تفریحی- فراغتی (که معمولاً توسط دولت تأمین می‌شود) بر کیفیت زندگی می‌باشد.

جدول ۳. ارتباط کیفیت عینی زندگی با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی

شرح	ارزش‌ها	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های اجتماعی
کیفیت زندگی (عینی)	ضریب همبستگی پیرسون سطح معناداری تعداد	۰.۲۲۱ ^{**} ۰/۰۰۰ ۲۷۳	۰.۴۶۰ ^{**} ۰/۰۰۰ ۲۷۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

همچنین در پاسخ به سؤال سوم، طبق نتایج تحلیل مسیر (جدول ۴) منابع و امکانات اقتصادی (مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، خدمات بیمه کشاورزی و دام، میزان تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع دستی)، امکانات و خدمات فراغتی (زمین ورزشی، پارک و فضای بازی کودکان) و امکانات بازرگانی خدماتی (خرده فروشی، سوپر مارکت، شرکت تعاونی و نانوائی) به ترتیب بیشترین تأثیر و امکانات و خدمات اساسی (آب شرب لوله کشی، راه دسترسی، مسکن) کمترین تأثیر را بر روی کیفیت زندگی دارند. در این رابطه تأثیرگذاری به معنای کمبود یا فقدان امکانات و خدمات مورد نظر هر شاخص می‌باشد، که احساس ضعف ساکنان روستایی را از نبود یا کمبود آن بیان می‌کند. در این راستا مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، میزان تولیدات کشاورزی، دامی و بازردهی منابع تولیدی و درآمدی در روستا بسیار ضعیف بوده، امکانات و خدماتی مانند: زمین ورزشی، پارک و فضای بازی کودکان، شرکت تعاونی، فروشگاه و نانوائی یا وجود نداشته یا خدمات آن بسیار ضعیف است. به همین خاطر منابع و امکانات اقتصادی، شاخص‌های فراغتی و بازرگانی- خدماتی بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی داشته‌اند. اما در مورد کم تأثیرترین شاخص (امکانات و خدمات اساسی) می‌توان به مواردی نظیر: دسترسی اکثر روستاهای مورد مطالعه به آب شرب بهداشتی و مجهز به سیستم لوله‌کشی، آسفالتی بودن راه دسترسی بیش از نیمی از روستاها و برخورداری بسیاری از افراد روستایی از مسکن نسبتاً مناسب و رضایت‌بخش از نظر خودشان اشاره کرد.

جدول ۴. تأثیر زیر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی

امکانات و خدمات رفاهی	امکانات و خدمات رفاهی	امکانات و خدمات اساسی	امکانات بازرگانی خدماتی	منابع و امکانات اقتصادی	امکانات و خدمات آموزشی	خدمات بهداشتی درمانی	شرح
۱.۰۶۲	۰.۶۸۹	۰.۵۳۸	۱.۰۱۴	۱.۰۷۶	۰.۷۲۹	۰.۵۹۶	کیفیت زندگی
۲	۵	۷	۳	۱	۴	۶	رتبه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

در ادامه با توجه به ضرایب همبستگی و تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌ها، در بعد اقتصادی، منابع و امکانات اقتصادی بیشترین تأثیر (۰/۶۴۲) و امکانات اساسی کمترین تأثیر (۰/۵۴۱) را بر کیفیت زندگی داشته‌اند. در بعد اجتماعی، امکانات و خدمات فراغتی بیشترین تأثیر (۰/۷۵۸) و امکانات و خدمات رفاهی (برق، تلفن، گیرنده شبکه تلویزیونی) کمترین تأثیر (۰/۶۲۵) را بر کیفیت زندگی داشته‌اند (جدول ۵). بدین معنی که تأثیر بیشتر نشانگر کمبود و ضعف بیشتر در آن مؤلفه و نیاز به رسیدگی و توجه بیشتر به آن می‌باشد. کم تأثیر بودن امکانات و خدمات رفاهی بیشتر به خاطر برخورداری تمام روستاهای نمونه از نعمت برق، برخورداری بیشتر روستاها از تلفن و برخورداری بیش از نیمی از روستاهای نمونه از گیرنده شبکه تلویزیونی می‌باشد.

جدول ۵. تأثیر هر یک از زیر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی

امکانات و خدمات رفاهی	امکانات و خدمات رفاهی	امکانات و خدمات اساسی	امکانات بازرگانی خدماتی	منابع و امکانات اقتصادی	امکانات و خدمات آموزشی	امکانات بهداشتی درمانی	شرح
---	---	۰/۵۴۱	۰/۵۴۶	۰/۶۴۲	---	---	بعد اقتصادی
۰.۷۵۸	۰.۶۲۵	---	---	---	۰.۷۰۲	۰.۶۳۶	بعد اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

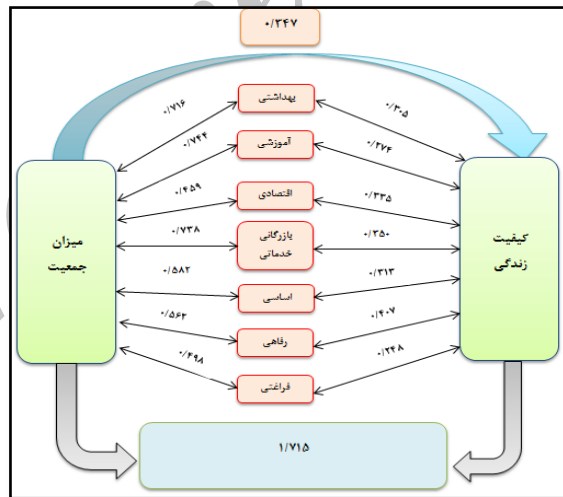
در نهایت در پاسخ به سؤال چهارم نتایج بدست آمده از طریق روش آماری تحلیل مسیر، حاکی از تأثیر بسیار بالای میزان جمعیت بر کیفیت زندگی مردم در سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه است. بدین معنی که با افزایش جمعیت هر سکونتگاه روستایی، کیفیت زندگی آن بهبود یافته و

بالعکس با کاهش جمعیت آن کیفیت زندگی نیز رو به ضعف رفته است. البته این تأثیر در محدوده مورد مطالعه که با افزایش میزان جمعیت کیفیت زندگی بهبود یافته است، ناشی از برخورداری و دسترسی نسبی روستاییان به خدمات عمومی (خدمات آموزشی، بازرگانی- خدماتی، بهداشتی درمانی، اداری، اساسی و فراغتی) بوده که غالباً توسط دولت بر مبنای میزان جمعیت به روستاها تعلق گرفته است، می‌باشد. همچنین میزان جمعیت به طور غیر مستقیم تأثیراتی بر کیفیت زندگی روستاییان محدوده مورد مطالعه داشته است، که بیشترین تأثیر آن از راه امکانات بازرگانی خدماتی (خرده فروشی، شرکت تعاونی، سوپر مارکت و نانوايي) و کمترین تأثیر آن از طریق امکانات و خدمات فراغتی (زمین ورزشی، پارک و فضای بازی کودکان) بوده است (جدول ۶ و شکل ۳).

جدول ۶. تأثیر میزان جمعیت بر کیفیت زندگی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی

تأثیر نهایی	تأثیرات غیرمستقیم							تأثیر مستقیم	میزان جمعیت
	امکانات و خدمات فراغتی	امکانات و خدمات رفاهی	امکانات و خدمات اساسی	امکانات بازرگانی خدماتی	منابع و امکانات اقتصادی	امکانات و خدمات آموزشی	امکانات بهداشتی درمانی		
۱/۷۱۵	-۰/۱۲۳	-۰/۲۲۸	-۰/۱۸۲	-۰/۲۵۸	-۰/۱۵۴	-۰/۲۰۳	-۰/۲۱۸	۰/۳۴۷	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰



شکل ۳. مدل مفهومی تأثیر میزان جمعیت بر کیفیت زندگی

۶. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب به عنوان یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار از طریق ارتقای سطح زندگی روستاییان، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین شهر و روستا، ایجاد ثبات جمعیتی در روستاها، افزایش حس تعلق به مکان و دسترسی عادلانه آن‌ها به عوامل و عناصر توسعه در نواحی روستایی هدف برنامه‌ریزان می‌باشد. با این نگرش مقاله حاضر با هدف سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی از دید جامعه نمونه صورت گرفته است، که یافته‌ها نشان می‌دهند کیفیت زندگی در نواحی روستایی مهبان به عنوان یکی از مناطق خشک کشور در ابعاد اقتصادی و اجتماعی از حد متوسط پایین‌تر است.

در بررسی میزان تأثیرگذاری زیر شاخص‌های کیفیت زندگی نتایج نشان داد که منابع و امکانات اقتصادی بیشترین و امکانات اساسی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی دارند. در بعد اجتماعی مؤلفه‌های فراغتی بیشترین و مؤلفه‌های رفاهی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی گذاشته‌اند. همچنین در بعد اقتصادی منابع و امکانات اقتصادی بیشترین و امکانات اساسی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی مردم برجای گذاشته‌اند. دلایل اصلی تأثیرگذاری بیشتر منابع و امکانات اقتصادی بر کیفیت زندگی از ضعف بودن مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، میزان تولیدات کشاورزی و دامی، کوچکی اراضی کشاورزی، حمایت ناچیز و بسیار ضعیف دولت از کشاورزی و تولیدات آن به شیوه‌های مدرن و به طور کلی بازدهی پایین منابع تولیدی و درآمدی در روستاهای مورد مطالعه نشأت می‌گیرد. علل تأثیر پایین امکانات اساسی را نیز بایستی در دسترسی اکثر روستاهای مورد مطالعه به آب شرب بهداشتی و مجهز به سیستم لوله‌کشی، آسفالت بودن راه دسترسی بیش از نیمی از روستاها و برخورداری بیشتر افراد روستایی از مسکن نسبتاً مناسب و رضایت‌بخش از نظر خودشان جستجو کرد.

از دلایل پایین بودن کیفیت زندگی در بعد اقتصادی، عدم برخورداری مناسب مردم از حمل و نقل کارآمد و امکانات تجاری (مانند: فروشگاه تعاونی، سوپر مارکت و نانواپی) مناسب، پایین بودن سطح کیفیت اشتغال و درآمد (به علت عدم برخورداری روستاییان از منابع تولیدی و اقتصادی متنوع، کوچک بودن اراضی کشاورزی، پایین بودن بازده بخش کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری)، حمایت ناچیز دولت از کشاورزی و تولیدات آن، رایج بودن شیوه‌های سنتی تولید، عدم بهره‌برداری از منابع تولید مکمل بخش کشاورزی مانند صنایع تبدیلی و صنعت گردشگری که محدوده مورد مطالعه در هر دو زمینه استعداد و پتانسیل لازم را دارد) را می‌توان نام برد. همچنین از دلایل پایین بودن کیفیت زندگی در بعد اجتماعی، پایین بودن کیفیت آموزش (به دلیل وجود مدارس دارای بافت فرسوده یا استفاده از اتاقی وقفی به عنوان مدرسه در برخی از روستاها، کمبود معلم، تعداد کم کلاس درس و حداقل تسهیلات لازم آموزشی از جمله آزمایشگاه و سایر تجهیزات)، پایین بودن کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی (به خاطر ارائه ناکارآمد خدمات بهداشتی درمانی، ضعیف بودن سطح دانش مأموران بهداشتی درمانی، رسیدگی ضعیف مأموران ثابت و سیار به بیماران، عدم توزیع مناسب مراکز بهداشتی درمانی در

سطح محدوده مورد مطالعه و عدم برخورداری همه روستاها از مراکز درمانی، داروخانه، پزشک عمومی و ماما)، عدم برخورداری اغلب روستاییان از بیمه تأمین اجتماعی و برخورداری بسیار ضعیف روستاهای مورد مطالعه از امکانات فراغتی (مانند: زمین ورزشی، پارک و فضای بازی کودکان) قابل ذکر هستند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که میزان جمعیت سکونتگاه‌های روستایی عاملی بسیار تأثیرگذار بر سطح کیفیت زندگی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است. اما این تأثیر ناشی از خدمات ارائه شده به روستاها بر مبنای میزان جمعیت آنها توسط دولت می‌باشد.

۷. منابع

۱. پورطاهری، مهدی و همکاران، ۱۳۹۰، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص ۳۱-۱۳.
۲. جاجرمی، کاظم و کلتبه، ابراهیم، ۱۳۸۵، سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان (مطالعه موردی: گنبدقاپوس)، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۸، صص ۱۷-۵.
۳. درونوفسکی، جان، ۲۵۳۵، کیفیت زندگی، اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی آن، ترجمه احمد اشرف.
۴. رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۷، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۵۹-۳۵.
۵. رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، صص ۸۷-۱۱۰.
۶. رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۱.
۷. رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین، ۱۳۸۷، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصل‌نامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
۸. غفاری، غلامرضا و انق، نازمحمد، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مورد: شهر گنبد کاووس)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۹۹-۱۵۹.
۹. غفاری، غلامرضا و امید، رضا، ۱۳۸۷، کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۳۳-۹.
۱۰. فرجی ملائی، امین و همکاران، ۱۳۸۹، تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره دوم، صص ۱۶-۱.
۱۱. ماجدی، سید مسعود و لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۵، بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، فصل‌نامه روستا و توسعه، سال نهم، شماره ۴، صص ۹۱-۱۳۵.
۱۲. محمدی، جمال و همکاران، ۱۳۸۹، سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر شهروندان مشهد، فصل‌نامه مطالعات مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۰۰.

۱۳. نوغانی، محسن و همکاران، ۱۳۸۸، کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول، صص ۱۴۰-۱۱۱.
14. Costanza, R., 2007, **Quality of life: An approach integrating opportunities**, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
15. Campbell, Angus, Philip E. Converse and Willard L. Rodgers., 1976, **The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations and Satisfactions**, New York: Russell Sage Foundation.
16. Dissart, J. Deller, S., 2000, **Quality of Life in the Planning Literature**, *Journal of Planning Literature*, 15: 135-161
- Pal, A. K., Kumar, U. C., 2005, Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, *Rural Development*, Volume xv, no 2.
17. Lee, Y.-J., 2008, **Subjective quality of life measurement in Taipei**, *Building and Environment*, 43(7).
18. Phillips, David., 2006, **Quality of Life: Concept, Policy and Practice**. London: Routledge Publications.
19. Rahman & Mittelhamer & Wandschaneder., 2003, **Measuring the Quality of Life Across countries: A sensitivity Analysis of well-being indices**, wider international conference on inequality, poverty and Human well-being, May 30-31, 2003, Helsinki, Finland.
20. Massam, B.H., 2002, **Quality of life: Public planning and private living**, *Progress in Planning*, 58: 141-227.
21. Wish NB., 1986, **Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones**, *American Journal of Economics and Sociology*;45(1):93-9.
22. William, Ellis W., 1998, **The Color Line and the Quality of Life in America**, *Journal of the American Statistical Association*, Vol. 83, No. 4.